

مقایسه نگرش جنسیتی نسبت به عوامل مؤثر بر تحکیم بنیان خانواده

اعظم خطیبی^۱

پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۱/۱۸

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۲/۰۸

چکیده

زنان و مردان سازندگان اصلی خانواده‌ها هستند و خانواده سالم مناسبترین زمینه کمال آن دو و تعالی فرد و جامعه است. هدف این تحقیق نیز مقایسه نگرش جنسی نسبت به عوامل مؤثر بر تحکیم بنیان خانواده بین اعضای هیئت علمی و کارمندان دانشگاه‌های پیام نور استان همدان است. پژوهش، رویکرد جامعه‌شناختی و روش پیمایشی دارد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده چندمرحله‌ای و حجم نمونه ۱۹۲ نفر برآورد شد. پایایی متغیرها با استفاده از آلفای کرونباخ $0.83/8$ به دست آمد و اعتبار صوری از طریق داوری استادان جامعه‌شناسی و روانشناسی سنجیده شد. بر اساس یافته‌ها از نظر کارکنان، عوامل فرهنگی بیشترین همبستگی و اهمیت را در تحکیم خانواده دارد ($R = 0.588$) و عوامل اجتماعی در درجه دوم ($R = 0.449$) و عوامل عاطفی در مرتبه سوم قرار می‌گیرد ($R = 0.309$). زنان بیشتر، عوامل اجتماعی و عاطفی و مردان بیشتر عوامل اقتصادی (درآمد زیاد) را در تحکیم بنیان خانواده مؤثر می‌دانند. هر دو جنس بر رعایت ادب و احترام و عشق متقابل تأکید ویژه داشتند. نتایج نهایی نشان داد که نگرش زنان و مردان نسبت به عوامل اجتماعی و عاطفی و اقتصادی، تأثیرگذار بر تحکیم خانواده یکسان نیست. اما نگرش آنها نسبت به عوامل فرهنگی، اعتقادی و سیاسی یکسان است.

کلید واژه‌ها: تحکیم خانواده، عوامل اجتماعی، عوامل عاطفی، عوامل فرهنگی، عوامل اعتقادی.

مقدمه

ازدواج یعنی صورتی از روابط جدلی که مورد تصویب جامعه قرار گرفته است (کوکبی، ۱۳۸۹: ۱۴). خانواده واحدی اجتماعی است که براساس ازدواج پدید می‌آید. این نهاد اجتماعی را باید مهمترین محل تلاقی ویژگیهای ممکن زن و مرد به‌شمار آورد؛ زیرا هم تأمین‌کننده نیازهای روحی و عاطفی انسانها است و هم روحیه تعاون و ایثار را زنده و تقویت می‌کند و زمینه‌ساز بروز استعدادهای انسان می‌شود. رمز و راز تأکید شدید اسلام بر «ازدواج» نیز در همین نکته نهفته است. در بیان نورانی حضرت رسول(ص)، ازدواج محبوبترین بنیان نزد خداوند به شمار آمده است^(۱) (کمالی، ۱۳۸۶: ۲۴).

هم‌چنین خانواده حلقه واسط فرد و جامعه تلقی می‌شود و نقش اساسی و بی‌بدیل در پیوند آنها دارد. توجه به نقش مهم و کارآمد خانواده در هستی اجتماعی و تربیت فرهنگی، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان را موظف می‌کند تا تأکید اقداماتشان را بر محور ارتقای سطح سلامت و استحکام خانواده قرار دهند. انتخاب سیاستهای واقعگرایانه و بهینه در وضعیت بحرانی خانواده در دنیای امروز و طراحی برنامه‌های مناسب به منظور اجرای سیاستهای مصوب، نیاز و ضرورتی اساسی است. (باقری، ۱۳۸۶: ۱۲۸). در خانواده، زن و مرد به عنوان اعضای اصلی با ایفای نقش خاص خود، زمینه سلامت و پویایی جامعه را فراهم می‌سازند. تفاوت‌های حکیمانه نقشها و فعالیتهای زن و مرد، ضامن هماهنگی و پویایی مجموعه و مانع بروز اختلال در خانواده است ضمن اینکه ایجاد جامعه‌ای پویا و انسانهایی متکامل نیز در گروی هماهنگی و مودت متقابل اعضا بویژه روابط زن و مرد در این پیکر واحد است.

تغییر و تحولاتی که به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به وجود آمده، نهاد خانواده را تحت تأثیر قرار داده است (ریتزر، ۲۰۰۴)؛ مانند پیشرفت صنعتی و مدرن شدن جامعه که باعث دگرگونی و تحول در نظام خانواده از سنتی و گسترده به صنعتی و هسته‌ای شده است. تغییرات اجتماعی در عصر ارتباطات و اطلاعات به قدری وسیع و گسترده است که تنش‌ها و آسیب‌هایی را نیز در جامعه رقم زده است که بک (۱۹۹۲ و ۱۹۹۴) از آن به جامعه خطر^۱ یاد می‌کند و خانواده‌ها نیز از این خطر در امان نمانده‌اند؛ به همین دلیل است که خانواده از دیدگاه دیگر، معیار شناخت و سنجش آسیب‌های اجتماعی است. ساروخانی (۱۳۷۰: ۱۵۹) بیان می‌کند که آن‌گاه که

طلاق رو به فزونی می‌رود، کشمکش‌های درونی خانواده اوج می‌یابد و فرزندان در نوجوانی به دور از والدین در ورطه آلامی چون اعتیاد، بزهکاری و... گرفتار می‌آیند، باید دانشمندان و همه مسئولان جامعه در جستجوی علت‌های عمیق اجتماعی آن به اعماق جامعه رسوخ کنند؛ زیرا با ازهم‌پاشیدگی خانواده‌ها، جامعه نیز دچار از هم گسیختگی می‌شود و امنیت و آرامش همگانی به خطر می‌افتد و این تهدیدی جدی در عصر حاضر است که نباید از نظر دور بماند. به دلیل اهمیت همین موضوع است که مسئله اصلی این پژوهش، مقایسه نگرش اعضای هیئت علمی و کارمندان زن و مرد دانشگاه‌های پیام نور استان همدان درباره عوامل مؤثر بر تحکیم بنیان خانواده‌هاست. برای این منظور ابتدا به سنجش نظر کارکنان^(۲) دانشگاه‌ها درباره میزان اثرگذاری هر یک از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، عاطفی و اعتقادی - دینی بر تحکیم خانواده‌ها، و سپس به مقایسه نگرش زنان و مردان می‌پردازد تا از دیدگاه هر یک از دو جنس، اهمیت عوامل شناسایی، و در نهایت با استفاده از رویکرد جامعه‌شناختی و منطق علمی، قادر به ارائه راهکارهای اساسی برای حفظ و تقویت بنیان خانواده‌ها شود.

نظر به اهمیت و ضرورت پژوهش، شناخت عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده‌ها از دیدگاه دو جنس کمک می‌کند با گسترش دامنه نگرشها حتی‌المقدور عوامل اساسی از نظر پنهان نماند و ابعاد بیشتری از سازه‌های مورد بررسی آشکار گردد که تاکنون ناشناخته مانده است. با شناخت این عوامل، راهکاری اساسی برای تحکیم و حفظ بنیان خانواده‌ها فراهم می‌شود تا برنامه‌ریزان بتوانند از آن برای تقویت و حفظ آرامش و امنیت خانواده و جامعه استفاده، و از تعارض هویتی و در نهایت آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کنند که در خانواده ریشه دارد. بنابراین ضرورت ایجاد می‌کند که برای حفظ بنیان خانواده تلاش کرد و عوامل مؤثر بر تحکیم آن را از دیدگاه سازندگان خانواده‌ها یعنی زن و مرد مورد مطالعه و مقایسه قرار داد. هم‌چنین نتایج این تحقیق کاربردی می‌تواند در اختیار سازمانها و مسئولان مرتبط با خانواده و مشاوران قرار گیرد تا در راستای بهبود و تقویت بنیان خانواده‌ها استفاده شود.

بر اساس آنچه بیان شد، اهداف پژوهش، شامل این موارد است:

- تبیین میزان اثرگذاری هر یک از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، عاطفی و

اعتقادی - دینی بر تحکیم خانواده از دیدگاه کارکنان دانشگاه‌های پیام نور استان همدان

- مقایسه نگرش کارکنان زن و مرد دانشگاه‌های پیام نور درباره اثرگذاری هر یک از عوامل

اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، عاطفی و اعتقادی - دینی بر تحکیم خانواده‌ها

لازم به ذکر است که این پژوهش نه تنها نگرش دو جنس را با هم مقایسه می‌کند بلکه به عوامل در سطح خانواده‌ها می‌پردازد. هم‌چنین عوامل اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی را که پژوهشها تحت عنوان عوامل فرهنگی در نظر گرفته‌اند از یکدیگر جدا می‌کند تا دقیقاً تفاوتها مشخص گردد و این نکته از برجستگی‌های این پژوهش است.

پژوهشهای متعددی در داخل و خارج کشور به خانواده اختصاص یافته است که با رعایت اقتصاد مکانی مقاله و دسترسی به منابع معتبر به‌طور خلاصه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

محمدی ری‌شهری و پسندیده (۱۳۸۹) در بخش دوم کتاب «تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث»، عوامل تحکیم خانواده را این‌گونه برمی‌شمارند: ۱ - محبت و مهربانی و عطاوت ۲ - خویهای والا و کردارهای نیکو ۳ - تربیت دینی ۴ - پاسداشت حقوق ۵ - تلاش برای تأمین نیازهای اقتصادی خانواده ۶ - پاسخ دادن به گرایش جنسی ۷ - دعا کردن. نوری (۱۳۹۱) در تحقیق «عوامل تحکیم و استحکام خانواده» به این نتیجه رسید که مهمترین عامل تحکیم و ثبات یا تزلزل و فروپاشی خانواده، چگونگی رابطه‌ها و داد و ستد عاطفی میان اعضای خانواده بویژه زن و شوهر است. محقق عوامل مرتبط با تحکیم یا تزلزل خانواده را به عوامل فردی و اجتماعی تقسیم می‌کند و هر دو عامل را مهم می‌شمارد. در پژوهش سفیری و آراسته (۱۳۸۶) «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و اقتصادی زنان شاغل با نوع روابط همسران در خانواده» در میان ۳۲۴ زن متأهل تهرانی، این نتیجه به دست آمد که بین سرمایه اقتصادی و فرهنگی زنان با روابط دموکرات با همسر رابطه‌ای معنادار وجود دارد؛ یعنی بین فاصله سنی زوجین، فاصله تحصیلات زوجین، میزان درآمد شوهر، منزلت شغلی شوهر، مدت زمان ازدواج، پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده زن و شوهر نوع روابط همسران رابطه معنی‌داری وجود دارد. خالدی، موتابی و ابراهیم پور (۱۳۹۳) در پژوهش «حفاظت‌کننده ازدواج در افراد متأهل با عوامل خطر» به این نتیجه رسیدند که احترام، رابطه جنسی مطلوب و تعهد، نقش مهمی در نگهداری زندگی مشترک دارد و بین زن و مرد در انتخاب این عوامل تفاوت معناداری مشاهده نشد اما عواملی مانند امیدواری، همدلی، همکاری در کارهای خانه، اعتماد به توانایی خود در حل مشکل و تماس جسمانی بین زنان و مردان تفاوت معناداری مشاهده شد. غلامپور و سکین عبدالغنی (۱۳۸۸) در تحقیق «عوامل تحکیم و تقویت نظام خانواده» به این نتیجه رسیدند که تحکیم خانواده به دو دسته درون خانوادگی و برون خانوادگی بستگی دارد. عوامل برون خانوادگی به «فرهنگ و محیط اجتماعی»، «خانواده‌های طرفین» و «اقتصاد جامعه» و عوامل درون خانوادگی به «توجه به جایگاه خانواده»، «مسئله سرپرستی خانواده»، «ثبیت

نقش‌ها» و «محبت زن و شوهر» می‌پردازد. عبدی و یزدانی مقدم (۱۳۸۸) در بررسی تأثیر آموزه‌های دینی بر مهارت‌های زندگی در سیره رضوی در عرصه‌های مهارتی ذهنی، شناختی، ارتباطی، اجتماعی، خانوادگی و تربیتی به این نتیجه می‌رسند که این مهارت‌ها بر تحکیم خانواده مؤثر است. خطیبی (۱۳۹۱: ۸۴) در کتاب مفاهیم جامعه‌شناختی در پنج سوره اول قرآن کریم در فصل خانواده از دیدگاه قرآن، انفاق به والدین و خویشان را مایه تحکیم خانواده و حفظ حرمت والدین برمی‌شمارد.

پژوهشهایی با موضوع خانواده در خارج از ایران نیز انجام شده است که به طور خلاصه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

در تحقیق آمانز و همکارش^۱ (۲۰۱۴) با عنوان «مدیریت مالی خانواده و حفظ تمامیت خانواده» بین ۸۰ نفر از مردم، بیان می‌کنند که یکی از عوامل اصلی، که خانواده را به سوی ناآرامی، نارضایتی، جنگ و در بدترین حالت طلاق می‌کشاند، نبود مدیریت مالی در خانواده است. نتایج نشان داد گرچه شوهر هدایت و رهبری خانواده را در دست دارد، نباید مدیریت مالی فقط در دست او باشد بلکه باید در دست هر دو باشد. هم‌چنین زن و یا مرد نباید این‌گونه نگاه کند که درآمد و پول شخصی متعلق به اوست بلکه درآمد آنها به کل خانواده تعلق دارد و باید با هم زندگی و امور مالی را تنظیم کنند. در پژوهش دوان شولتز^۲ آلمانی بین تمام خانواده‌های آلمانی، استفاده نکردن از خشونت در روابط زناشویی، برقراری برابری حقوق زن و مرد، خوش‌خلقی و عدم ولنگاری زن و شوهر بر تحکیم خانواده مؤثر است. لیل مولر بیان می‌کند که سه عامل افراد را به سمت ازدواج کشانیده است و خانواده را مستحکم می‌کند که عبارت است از نیاز اقتصادی، میل به فرزند و عشق همسران به یکدیگر (به نقل از موحد، عنایت و مردانی، ۱۳۹۱: ۱۶۳).

در پژوهش پارکر^۳ (۲۰۰۲) عشق، در پژوهش مادسن و ابل^۴ (۲۰۱۰) احترام و دین و باورهای دینی، در پژوهش مارتین، پالک، دارس، لارس، گری و ویر^۵ (۲۰۰۳) شوخی کردن و شاد کردن فضای خانه، در پژوهش راس^۶ (۲۰۰۹) داشتن اوقات فراغت با هم، در تحقیق پارکر (۲۰۰۲) تعهد

1 - Amanze & Alu Chituru

2 - Doan Shults

3 - Parke

4 - Madsen & Abell

5 - Martin & Puhlik- Doris & Larsen & Gray & Weir

6 - Ross

نسبت به هم، در پژوهش جین^۱ (۱۹۹۹) مشورت با هم و در پژوهش گری (۱۳۸۷) آشنایی با تفاوت‌های زن و مرد، عواملی بود که در استحکام بیشتر خانواده‌ها تأثیر داشته است. با دقت در پژوهش‌ها هر یک به بررسی بخشی از عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده پرداخته‌اند و نوعی کاهش‌گرایی در آنها دیده می‌شود؛ اما این پژوهش با بررسی مجموعه‌ای از عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده، تلاش می‌کند از کاهش‌گرایی دوری کند. هم‌چنین بجز پژوهش خالدی، موتابی و ابراهیم پور (۱۳۹۳) هیچ یک از پژوهش‌ها به مقایسه نگرش زنان و مردان در زمینه عوامل تأثیرگذار نپرداخته‌اند. تلاش عمده این پژوهش بر کردن این خلأ پژوهشی نیز است.

در این پژوهش از دیدگاه‌های دورکیم، پارسونز، گاردنر، گیدنز و تنی چند از جامعه‌شناسان در حوزه جامعه‌شناسی خانواده استفاده شده است؛ زیرا آنها بر خانواده به منزله نهاد بنیادین جامعه تأکید کرده‌اند. طبق این دیدگاه، خانواده وظایف مهمی را به انجام می‌رساند که جزو نیازهای اساسی جامعه است و به بقای نظم اجتماعی کمک می‌کند. دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی خانواده را همچون نهادهای اجتماعی می‌داند که جزئی از جامعه، و شناخت آن مستلزم شناخت کل جامعه است و از آن انتزاع‌پذیر نیست؛ زیرا در فرایند تکاملی تأثیر و تأثر^(۳) با جامعه قرار می‌گیرد. به اعتقاد دورکیم (۱۹۶۹)، انسجام اجتماعی تنها نیرویی است که هدفها، واکنش‌ها و چگونگی رفتار فردی انسان را تعیین می‌کند و تصمیم افراد، تأثیر چندانی بر چگونگی کنش‌های آنان ندارد. وی بنیادی‌ترین منشأ انسجام اجتماعی را فرهنگ و نهادهای اجتماعی معرفی می‌کند و آن را از دو کارکرد مهم برخوردار می‌داند: نخست اینکه انسجام و پیوستگی اجتماعی، امکان حمایت روانی اعضای جامعه را در وضعیت‌های بحرانی فراهم می‌کند و از نگرانیها، فشارها و نیز از تأثیر بحران بر افراد می‌کاهد و در صورتی که افراد با تبادل اندیشه‌ها و احساسات خود، روابط منسجمی با اعضای خانواده بویژه همسرانشان به وجود آورند، حمایت متقابل آنها هنگام گرفتاریهای شدید و درماندگی موجب می‌شود که در فعالیتهای جمعی شرکت کنند و این تکاپوهای جمعی، آنان را حفظ خواهد کرد. دوم انسجام اجتماعی را، که نقش آن کنترل و نظارت بر افراد است در جوامع بسیار همبسته و منسجم (مثلاً خانواده یا همسرانی که انسجام فراوانی دارند). حفظ می‌کند به طوری که افراد به حال خود رها نمی‌شوند؛ به خدمت خانواده درمی‌آیند؛ به جای منافع فردی به منافع جمعی می‌اندیشد و در نهایت، فردگرایی و ازهم گسیختگی کاهش می‌یابد. هم‌چنین او معتقد

است که ثبات و استواری خانواده به تقسیم کار بر مبنای جنس بستگی دارد که همسران نقشها و وظایف خود (نقش ابزاری شوهر در خوشبختی زناشویی و نقش زن در ارائه کننده عشق و محبت) را بخوبی ایفا کنند؛ رابطه زناشویی از ثبات، دوام و کیفیت و رضایتمندی برخوردار خواهد شد و تحکیم و انسجام آن افزایش می‌یابد. وقتی این تعامل به دلیل شکست زن یا شوهر در به عهده گرفتن تعهدها و وظایفشان قطع شود، نیروی مؤثر و عمده انسجام و هماهنگی زناشویی از بین خواهد رفت (برینکر هوف و وایت^۱، ۱۹۸۸: ۲۵۹ و ۲۶۰).

از نظر جامعه‌شناس آمریکایی، تالکوت پارسونز و بیلز (۱۹۵۶)^۲ دو کارکرد اصلی خانواده عبارت است از: اجتماعی شدن اولیه و تثبیت شخصیت. اجتماعی شدن، اولین فرایندی است که کودکان، هنجارهای فرهنگی جامعه‌ای را می‌آموزند که در آن به دنیا آمده‌اند و تثبیت شخصیت^۳ به معنای نقشی است که خانواده با کمک و حمایت عاطفی از اعضای بزرگسال خود بر عهده دارد (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۸: ۲۵۴). پارسونز، خانواده هسته‌ای را مناسبترین و کارآمدترین نوع خانواده برای پاسخگویی به نیازهای جامعه صنعتی می‌دانست. در واقع تخصصی شدن نقشها در خانواده هسته‌ای، مستلزم این بود که شوهر به‌عنوان نان‌آور نقش ابزاری را بر عهده بگیرد و زن نقش احساسی و عاطفی داخل خانه را قبول کند. به هر روی این دیدگاه با توجه به تغییرات جوامع امروز در حال حاضر نارسا است (گیدنز و برد سال، ۱۳۸۸: ۲۵۵). به نظر پارسونز برای شکل‌گیری کنش اجتماعی معنادار وجود چند عامل ضروری است.

۱ - خاص نگری - عام نگری ۲ - عاطفی - بی‌اعتنایی عاطفی ۳ - کیفیت - عملکرد ۴ - همه جهت بینی - یک جهت بینی ۵ - نفع شخصی - نفع جمعی: این تقسیم‌بندیهای دوگانه، گرایشهای کنش به سوی منافع فردی یا منافع و اهداف گروهی را در بر می‌گیرد (همیلتون^۴، ۱۹۸۳: ۱۰۳)؛ به این ترتیب در صورتی خانواده و رابطه زناشویی منسجم و مستحکم خواهد بود که اعضای آن بویژه همسران، همدیگر را خاص و منحصر به فرد ببینند؛ با استفاده از تمامی عواطفشان با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و روابطشان مبتنی بر رضایت باشد؛ یعنی برای همسرشان به سبب نفس او ارزش قائل باشند و به او به چشم وسیله یا ابزار نگاه نکنند. هم‌چنین روابط آنها باید همه‌جانبه باشد؛ یعنی با همه جوانب و مسائل همسرشان سر و کار داشته باشند و بر منافع جمعی مبتنی باشد؛ زیرا توجه به

1 - Brinker hoff & white
2 - Parsons and Bales
3 - Personality stabilization
4 - Hamilton

منافع فردی از تحکیم خانواده و روابط زناشویی می‌کاهد. پارسونز به نقش عنصر عاطفه در خانواده توجه دارد و خانواده را به‌عنوان تنها نهاد عمده جامعه می‌داند که می‌تواند عشق و محبت و مراقبت مورد نیاز برای رشد شخصیت انسانی در بهترین حد را ارائه کند (اتکینسون و همکاران، ۱۹۸۷: ۱۱۰). خانواده با ثبات، روابط عاطفی را که بخش اجتناب‌ناپذیر زندگی انسان است، آسان می‌کند (اتکینسون و گلاس، ۱۹۸۷: ۴۲۷). طبق نظر این جامعه‌شناس، دل‌بستگی عاطفی بین اعضای خانواده با نظم و ثبات در خانواده رابطه مستقیم و مثبت دارد (همیلتون، ۱۹۸۳: ۱۰۳). عامل دیگری که بر نظم خانواده تأثیر دارد، تصمیم‌گیری و همفکری مشترک است. بیشتر مطالعات به این نتیجه رسیده است که زوجهای خوشبخت به دلیل تصمیم‌گیری مشترک، گفت‌وگوی مفید و توافق متقابل و مشترک به‌عنوان نمونه مشخص می‌شوند. سلطه همسر یا اختلافات گسترده بر سر قدرت با طلاق و نارضایتی زناشویی ارتباط دارد (چلبی، ۱۳۸۵: ۲۳۰). تأکید پارسونز در نظریه کنش اجتماعی بر نظام فرهنگی به‌عنوان نظامی مسلط و تعیین‌کننده، هم در توصیف مشارکت‌پذیری و هم در تحقیق و تثبیت آن واقعیتی انکارناپذیر است. از سوی دیگر ابهام نقش‌ها، فضای بی‌اعتمادی، بدبینی، حسادت، کینه‌توزی و نگاه جنسی محض به نقش‌های همسری به‌عنوان موانع فرهنگی مشارکت‌پذیری اعضای خانواده به‌شمار می‌رود (چلبی، ۱۳۸۵: ۲۳۰).

عامل مهم و مؤثر دیگر بر نظم خانواده، اعتقادات دینی است. فرگوسن و هارود^۱ اشاره کرده‌اند خانواده‌هایی که دارای ویژگی «پابندی دینی» زیادی هستند، کمتر به فروپاشی متمایل هستند (۱۹۸۴: ۵۴۷-۵۴۰). هم‌چنین بوث و همکارانش بیان می‌کنند که عقاید دینی به صورت نیروی خاص و نگهبان ازدواج دیده می‌شود که انسجام و پیوستگی آن را تقویت می‌کند (۱۹۸۳: ۳۹۰). ویلکینسون و تر نیز می‌گویند: «پابندی دینی بر عاطفه خانواده مستقل از فعالیت‌های خانواده تأثیر مستقیم دارد.» (۱۹۸۴: ۶۶۴ به نقل از چلبی، ۱۳۸۵: ۲۳۰).

ویلیام گاردنر در کتاب جنگ علیه خانواده اشاره می‌کند که یکی از عوامل مؤثر بر نظم خانواده، تقسیم کار خانگی است که یکی از ثمربخشترین راهکارهایی است که تاکنون برای ایجاد ثروت ابداع شده است. این هدف دوگانه یعنی پدید آوردن فرزندان و ایجاد ثروت به‌طور مشترک به‌وسیله زن و شوهر، بدون چنین تقسیم‌کاری غیرممکن می‌شد. در قرن نوزدهم به‌طور کلی پذیرفته شده بود که پرورش فرزندان با عشق و مراقبت کافی (نقش زن) و کسب درآمد

کافی برای تأمین معاش خانواده (نقش شوهر) مستلزم داشتن تخصص از سوی هر یک از دو زوج، یعنی تقسیم کار بود (محمدی، ۱۳۸۷: ۸۵ - ۸۴ به نقل از راکفورد^۱، ۱۹۹۰)؛ به این ترتیب مردان بیشتر به سوی بازار کار و زنان به سوی خانه کشیده می‌شدند. آنچه این نظام پدید می‌آورد، وابستگی نبود، بلکه همبستگی خانوادگی بود. همان‌گونه که چارلز موری در کتاب «به دنبال خوشبختی و دولت خوب» اشاره می‌کند، انسانها جوامع را تشکیل می‌دهند تا کارها را با هم انجام دهند و آن هم مهمترین و مشکلترین امور انسانی، همچون عشق ورزیدن به هم، مراقبت از یکدیگر، تصمیم‌گیری درباره ارزشهای مهم، مواظبت از این ارزشها، انتقال دادن آنها و نیز مراقبت از نیازمندان (موری^۲، ۱۹۸۲: ۲۸۸).

به اعتقاد بسیاری از جامعه‌شناسان، ارضای نیازهای عاطفی مهمترین کارکردی است که می‌تواند بقای خانواده را در جوامع صنعتی جدید تبیین کند. ارضای عاطفی در محیط‌های دیگری مانند محیط‌های شغلی یا آموزشی نیز کم و بیش یافت می‌شود اما بیشتر افراد، رضایت‌بخش‌ترین روابط شخصی خود را با همسران، والدین و فرزندان یا دیگر بستگان می‌یابند؛ حتی بسیاری از کسانی که به دلیل نیافتن امنیت و خشنودی لازم به طلاق روی می‌آورند، بار دیگر خانواده جدیدی برای دستیابی به آن هدف تشکیل می‌دهند (آلمکوئیست و همکاران^۳، ۱۹۷۸: ۳۴۷). اغراق‌آمیز نیست اگر گفته شود راز قدرت عاطفی و توفیق خانواده طبیعی، تعلق خاطر ذاتی آن به دوام و بقای خود است؛ تعلق خاطری که مستلزم عشقی بی‌قید و شرط خواهد بود که در هیچ گروه اجتماعی دیگری یافت نمی‌شود (گاردنر، ۱۹۹۲: ۹۰). تثبیت شخصیت بزرگسالان در جوامع صنعتی اهمیتی منحصر به فرد دارد؛ زیرا دو عامل ساختاری و فرهنگی در آن دخیل است. عوامل ساختاری مانند زندگی در شهرهای صنعتی باعث انزوای نسبی خانواده زن و شوهری می‌شود و به سبب سست شدن شبکه‌های خویشاوندی و همسایگی، همسر شخص علی‌القاعده به صورت تنها دوست و همدم او و تنها کسی که می‌تواند بیشترین وقت را با او سپری کند، در می‌آید. عوامل فرهنگی نیز به تغییر نگرش عمومی نسبت به ازدواج اشاره دارد. در جوامعی مانند امریکا، نگرش غالب این است که ازدواج باید بر پایه کشش عاطفی و عشق متقابل بین دو زوج استوار باشد و میزان زیاد طلاق در این جوامع، دلیل بر اهمیت این کارکرد به‌عنوان مبنای ازدواج است؛ اما در

جوامع دیگری که کارکردهای دیگر خانواده اهمیت بیشتری دارد، حتی در صورتی که زوجین سطح بالایی از رضایت خاطر را تجربه نکنند، احتمال تداوم پیوند ازدواج زیاد است (استوکس^۱، ۱۹۸۴: ۲۹۵ و ۲۹۴).

رضایت خاطر یعنی اینکه در خانواده حرفی از طلاق نباشد و دارای ثبات باشد. طلاق در لغت جداشدن زن و مرد، رهاشدن از قید نکاح و زناشویی است. اگر نظام خانواده بر مردسالاری یا زنسالاری و به طور کلی هوسمداری و خودخواهی مبتنی باشد، اختلاف آشکار می‌شود و در چنین حالتی، حقوق و احترام متقابل زن و مرد رعایت نمی‌شود. در نتیجه حق محوری جای خود را به هوسبازی و خودخواهی می‌دهد که عامل اصلی بروز اختلافات و در نهایت طلاق است (کوهی، ۱۳۸۷: ۱۳۴ و ۱۳۵). علت طلاق در درجه اول خشونت است. خشونت به معنای بد رفتاری فیزیکی، کلامی یا عاطفی یک عضو از خانواده علیه عضو دیگر، پدیده جدیدی نیست و در گذشته نیز وجود داشته است. گزارشها حکایت می‌کند که خشونت خانگی پدیده‌ای است چندجانبه که فرزندان، همسران، خواهر و برادرها و سالمندان را دربر می‌گیرد (بستان و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۹). گستردگی این پدیده در برخی از کشورهای صنعتی، بسیاری از خانواده‌ها را به کانون اضطراب، ناامنی و حتی جنایت مبدل کرده است. به گفته آنتونی گیدنز: «خانه خطرناکترین مکان در جامعه امروز است. از لحاظ آماری یک فرد در هر سنی و یا از هر جنسی به مراتب بیشتر احتمال دارد که در خانه در معرض حمله فیزیکی واقع شود تا در خیابان هنگام شب (گیدنز، ۱۳۷۴: ۴۳۸).

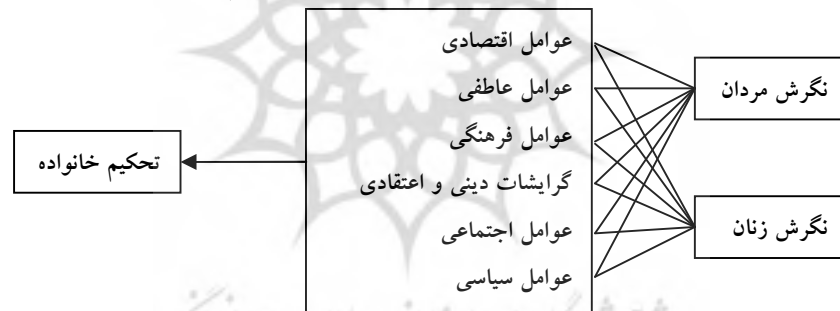
از دیدگاه اسلام، آرامش روانی حاصل از ازدواج و مهر و مودت بین زن و شوهر از نشانه‌های الهی به شمار می‌رود (روم/۲۱). رابطه زناشویی برخلاف روابط اجتماعی دربردارنده عاملی وحدت‌بخش و انسجام‌دهنده است که تداوم رابطه را به‌رغم تضادها و اختلاف منافع و وابستگی زن و شوهر تضمین می‌کند. از عناصر بسیار مهم در سازگاری دو همسر و تحکیم خانواده، عشق و علاقه متقابل (مهربان بودن با یکدیگر) است (معاونت پژوهش، گروه روانشناسان، ۱۳۸۶: ۲۳۱). رسول گرامی اسلام (ص) در جواب زنی به نام حواء که از وظیفه زن نسبت به همسر خود سؤال کرد، فرمود: «ای حواء حق مرد بر همسرش این است که به خانه‌اش پایبند باشد؛ با او مهربانی کند و محبت بورزد و نسبت به او دلسوز باشد» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۲۴۴). گفت‌وگوی مؤدبانه و احترام‌آمیز همسران با یکدیگر و بهره‌گیری از روش مؤثر و سازنده برای ارتباط کلامی، مصداق

کامل «خوب سخن گفتن» تلقی می‌شود که در راستای ایجاد محبت و نشاط در محیط خانواده است (کلینی، ۱۳۶۲: ۹۴ و ۱۰۷). حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید «با رفق و مدارا، همدمی و همراهی در زندگی مشترک پایدار می‌ماند.»^(۴) (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۴۴). رعایت این نکات به رضایتمندی همسران می‌انجامد. مسلماً چنین اوضاعی، زمینه مساعد پیشرفتهای فراوان فردی، خانوادگی و اجتماعی خواهد بود (معاونت پژوهش، گروه روانشناسان، ۱۳۸۶: ۴۲۹).

بر اساس ادبیات نظری جامعه‌شناسان در حوزه جامعه‌شناسی خانواده و پیشینه پژوهشها، بخش بعدی به ترسیم الگوی پژوهش پرداخته است.

الگوی پژوهش

الگوی نظری از مفاهیم و فرضیه‌هایی تشکیل شده است که با هم ارتباط تنگاتنگ دارد و مجموعاً چهارچوب تحلیلی را تشکیل می‌دهد. با استفاده از نظریه‌های برخی از جامعه‌شناسان در حوزه خانواده و پیشینه پژوهشها الگوی پژوهش به شکل نگاره ۱ ترسیم شده است.



فرضیه‌های پژوهش

- بر اساس الگو، فرضیه‌های پژوهش به این شرح است:
- عوامل اجتماعی بر تحکیم خانواده تأثیر گذار است.
- عوامل فرهنگی بر تحکیم خانواده تأثیر گذار است.
- گرایشهای دینی و اعتقادی همسران بر تحکیم خانواده تأثیر گذار است.
- نوع روابط عاطفی همسران با هم بر تحکیم خانواده تأثیر گذار است.
- عوامل اقتصادی بر تحکیم خانواده تأثیر گذار است.

- رفتار سیاسی همسران بر تحکیم خانواده تأثیر گذار است.
- بین نگرش زنان و مردان درباره عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اعتقادی - دینی، سیاسی، عاطفی و جنسی مؤثر بر تحکیم خانواده تفاوت وجود دارد؛ یعنی دو جنس، نگرش یکسانی درباره تأثیر هر یک از عوامل بر تحکیم خانواده‌ها (به تفکیک و در کل) ندارند.

روش شناسی پژوهش

جامعه آماری این پژوهش اعضای هیئت علمی و کارمندان دانشگاه‌های پیام نور استان همدان است که به صورت نمونه از مراکز و واحدهای این استان گزینش شده است. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده چندمرحله‌ای است. بر اساس نمونه‌گیری تصادفی ابتدا شهرهایی که دارای دانشگاه بودند، تعیین، و شش شهر نهاوند، بهار، رزن، ملایر، همدان و قهاوند انتخاب شدند. در مرحله بعد بر اساس نمونه‌گیری تصادفی ساده از هر دانشگاه اعضای هیئت علمی و کارمندان آن مورد مطالعه قرار گرفت. با استفاده از فرمول زیر حجم نمونه مشخص شد. (۱۹۲ هیئت علمی و کارمند). مقدارها به این شرح است.

$$n = \frac{z^2 \times pq}{d^2 \times (1 - \text{prevalence})} = 192$$

روش جمع‌آوری اطلاعات در مرحله مطالعه مقدماتی، مصاحبه و در مرحله اجرای اصلی، پرسشنامه بود. برای اجرای پرسشنامه از پنج پرسشگر استفاده شد.
برای تحلیل اطلاعات، علاوه بر آمار توصیفی از فنون آماری پیشرفته مثل شاخص سازی با استفاده از نرم‌افزار SPSS و از آمار استنباطی رگرسیون و تحلیل مسیر و مقایسه دوگروهی مستقل ناپارامتری یومان ویتنی و تی تست مستقل دوگروهی استفاده شد.
متغیرها و معرفیها همراه با میزان پایایی آنها در جدول ۱ خلاصه شده است. میزان پایایی از طریق نرم‌افزار SPSS16 به دست آمد.

جدول ۱: معرفهای متغیر وابسته و مستقل همراه با پایایی آنها

متغیر	شاخص	معرفها	آلفای کرونباخ (پایایی)
وابسته	تحکیم خانواده	دوری از خشونت (لفظی و فیزیکی)، رضایتمندی از زندگی و روابط زناشویی، روابط منسجم همسران و حمایت متقابل در گرفتاریها، گذاشتن زمان مناسب برای یکدیگر، گذراندن اوقات فراغت با هم، برآوردن انتظارات یکدیگر در قالب تقسیم کار آگاهانه، تفاهم اخلاقی و رفتارهای مناسب مبتنی بر عشق و محبت، گرایشها و اعتقادات مشترک، خوش خلقی و صبوری و قناعت، دوری از طلاق (کلامی و رفتاری) (ده معرف)	۷۵/۲
		رعایت ادب و گفتگوی احترام آمیز با یکدیگر (ارتباط کلامی مناسب)، اعتماد اجتماعی و درک یکدیگر، احترام به خانواده و فامیل همسر به صورت متقابل، گسترش دامنه ارتباطات مناسب با دوستان و آشنایان، داشتن صداقت و صمیمیت و تعهد به یکدیگر (شش معرف)	۷۶/۹
مستقل	عاطفی	پایبندی به زندگی و مهربانی با همسر، دوری از هوسبازی و خودخواهی، بی اعتنا نبودن نسبت به مسئولیتهای فردی در خانواده، تحمل شوخی در زندگی و شاد کردن فضای خانه، نداشتن احساس زندگی از سر ناچاری، وجود عشق و امیدواری، همدلی و علاقه متقابل (هفت معرف)	۶۵/۹
	اقتصادی	داشتن شغل مناسب و امنیت اقتصادی، کسب درآمد مکفی و تلاش برای حل مشکلات مالی خانواده، داشتن رفاه و اوقات فراغت و تفریح، صیانت از سلامت و بهداشت خانواده، مدیریت مالی اشتراکی (زن و مرد)، برابری حقوق زن و مرد در تأمین نیازها (پنج معرف)	۷۳/۸
	فرهنگی	دوری از مد و پوشیدن لباس برای جلب توجه دیگران، همسانی در سطح سواد، استفاده همسران از رسانه های کتبی مرتبط با خانواده برای افزایش سطح آگاهی، تماشای تئاتر و سینما و مجموعه های تلویزیونی و... مرتبط با خانواده، شرکت در جشنواره ها و همایشهای علمی در طول سال در جهت حفظ خانواده (شش معرف)	۷۷/۸
	اعتقادی و دینی	گرایشها و اعتقادات دینی مشترک در خانواده (اجرای واجبات شرعی مثل نماز و روزه و...)، رعایت پوشش اسلامی و حجاب، پایبندی به اصول و ارزشهای دینی و حفظ حریم خودآرایی، احترام به عرف و ارزشهای جامعه (چهار معرف)	۷۳/۵
	سیاسی	نداشتن اختلاف نظر سیاسی، مشارکت اجتماعی و سیاسی (انتخابات) (دو معرف)	-
متغیرهای مستقل		۲۹ معرف	۷۹/۴
کل متغیرها		(۳۹ معرف)	۸۳/۸

یافته‌های پژوهش

۱- توزیع آماری ویژگی‌های شخصی پاسخگویان به این شرح است:

۵۶/۸٪ پاسخگویان، مرد و ۴۳/۲٪ زن، ۵۹/۴٪ کارمند و ۳۶/۴٪ هیئت علمی، ۵۹/۴٪ پاسخگویان با تحصیلات در حد ارشد و ۱۱/۱٪ دکتری و سایر پاسخگویان تحصیلاتی کمتر از ارشد داشتند. بیشترین میانگین سنی پاسخگویان بین ۳۰ تا ۳۹ سال، و کمترین گروه سنی پاسخگویان بین ۲۰ تا ۲۹ ساله بود. بیشترین رشته تحصیلی انسانی (۴۳/۸٪) و سپس ریاضی (۳۰/۷٪) گزارش شده است. ۷۸/۶٪ پاسخگویان متأهل بودند.

۲- توزیع آماری پاسخهای مرتبط با معرفهای تحکیم خانواده (متغیر وابسته) در جدول ۲ خلاصه شده است.

جدول ۲: توزیع فراوانی عوامل متغیر وابسته (n = ۱۹۲)

ردیف	متغیر معتبر	کاملاً موافق و موافق (درصد)	مخالف و کاملاً مخالف (درصد)
۱	رضایتمندی از زندگی زناشویی	۹۲/۷	۱
۲	نبودن خشونت کلامی و رفتاری در خانواده	۹۱/۶	۲/۱
۳	داشتن روابط منسجم	۸۹/۱	۳/۱
۴	زمان گذاشتن برای یکدیگر	۹۱/۲	۲/۶
۵	برآوردن انتظارات در قالب تقسیم کار آگاهانه	۷۶/۶	۷/۳
۶	داشتن باورها و گرایشهای دینی مشترک	۶۷/۷	۸/۳
۷	محبت و عشق به خانواده	۴۹/۴	۱۷/۳
۸	اخلاق خوش، صبوری و قناعت در زندگی	۷۱/۹	۴/۷
۹	داشتن تفاهم اخلاقی در زندگی	۸۶/۵	۳/۶
۱۰	دوری از کلمات و رفتارهای آزار دهنده مثل جاری کردن طلاق بر زبان و قهر و تنها گذاشتن همسر	۷۲/۴۲	۶
	جمع	۷۸/۹۱	۷/۴۲

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، ۹۲/۷٪ پاسخگویان رضایتمندی از زندگی زناشویی و ۹۱/۶٪ نداشتن خشونت کلامی و رفتاری در خانواده، ۸۹/۱٪ داشتن روابط منسجم جنسی، ۹۱/۲٪ زمان گذاشتن برای یکدیگر و گذران اوقات فراغت را باهم، ۷۶/۶٪ برآوردن انتظارات در قالب

تقسیم کار آگاهانه و طبیعی (عاطفی بودن زن و پرورش فرزندان توسط او و عقلانی بودن مرد و تأمین معاش توسط او)، ۶۷/۷٪ داشتن باورها و گرایشهای دینی مشترک، ۴۹/۴٪ محبت و عشق به خانواده، ۷۱/۹٪ خوش خلقی و صبر و قناعت، (۸۶/۵٪) داشتن تفاهم اخلاقی در زندگی و ۷۲/۴۲٪ دوری از کلمات و رفتارهای آزاردهنده را در حد موافق و کاملاً موافق گزارش کرده اند که از معرفهای محوری تحکیم خانواده است.

۳- توزیع فراوانی عوامل متغیرهای مستقل مؤثر بر تحکیم خانواده در جدول شماره ۳ خلاصه شده است.

جدول ۳: توزیع فراوانی عوامل متغیرهای مستقل (n=۱۹۲)

ردیف	عوامل	کاملاً موافق و موافق (درصد)	مخالف و کاملاً مخالف (درصد)
۱	اجتماعی	۷۶/۱۱	۵/۳۶
۲	اقتصادی	۴۹/۱۷	۲۱/۸۸
۳	فرهنگی	۵۵/۱	۲۸/۷۸
۴	اعتقادی	۶۸/۵	۱۲/۱۲
۵	عاطفی	۷۱/۳۴	۱۴/۲۷
۶	سیاسی	۵۱/۸	۲۰/۸

همان طور که جدول ۳ نشان می دهد، (۷۶/۱۱٪) پاسخگویان متغیر اجتماعی، (۷۱/۳۴٪) متغیر عاطفی، (۶۸/۵٪) متغیر اعتقادی، (۵۵/۱٪) متغیر فرهنگی، (۵۱/۸٪) متغیر سیاسی و در نهایت (۴۹/۱۷٪) متغیر اقتصادی را در حد کاملاً موافق و موافق گزارش کرده اند که بر تحکیم خانواده مؤثر است. بر اساس گزارش پاسخگویان به ترتیب عوامل اجتماعی، عاطفی، اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بر تحکیم خانواده مؤثر است.

آزمون فرضیه ها

برای سنجش میزان تأثیرگذاری هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از دیدگاه کارکنان، ابتدا فرضیه ها ساخته شد. برای رعایت اقتصاد مکانی، فرضیه ها در یکدیگر ادغام و در یک فرضیه به شکل زیر خلاصه شدند.

۱۰۳ فرضیه ۱: بین عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی، عاطفی و سیاسی با تحکیم بنیان

خانواده رابطه معنی دار وجود دارد.

از رگرسیون چندگانه با روش اینتر استفاده شد و یافته‌ها در جدول ۴ خلاصه شد.

جدول ۴: رگرسیون عوامل تأثیرگذار بر تحکیم خانواده

عوامل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	میانگین مجذورات	معنی داری	ضریب خط	آزمون لون f	درجه آزادی	آزمون تی	ضریب اهمیت	فرض تحقیق
اقتصادی	۰/۰۲۵	۰/۰۰۱	۸/۸۰۹	۰/۷۳۳	۰/۶۳	۰/۱۱۷	۱	۰/۳۴۲	۰/۰۲۵	رد
اجتماعی	۰/۴۴۹	۰/۲۰۲	۲۸۷۹/۴۶۹	۰/۰۰۰	۱/۱۳۶	۴۷/۸۵۴	۱	۶/۹۱۸	۰/۴۴۹	تأیید
فرهنگی	۰/۵۸۸	۰/۳۴۶	۴۵۲۸/۵۷۹	۰/۰۰۰	۰/۸۷۱	۹۹/۸۱۷	۱	۹/۹۹۱	۰/۵۸۸	تأیید
اعتقادی	۰/۰۲۴	۰/۰۰۱	۸/۴۰۶	۰/۷۳۹	۰/۰۴۹	۰/۱۱۲	۱	۰/۳۳۴	۰/۰۲۴	رد
عاطفی	۰/۳۰۹	۰/۰۹۶	۱۳۶۳/۷۳۴	۰/۰۰۰	۰/۶۱۹	۱۹/۹۹۸	۱	۴/۴۷۲	۰/۳۰۹	تأیید
سیاسی	۰/۰۰۸	۰	۰/۹۸۱	۰/۹۰۹	-۰/۰۴۱	۰/۰۱۳	۱	-۰/۱۱۴	۰/۰۰۸	رد

همان طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، ضریب همبستگی بین عوامل اقتصادی با تحکیم خانواده

بسیار ضعیف است ($R = 0/025$) و این رابطه معنی داری نیست ($sig = 0/733$).

ضریب همبستگی بین عوامل اجتماعی قوی و مثبت است ($R = 0/449$) و آنوا نشان می‌دهد

رابطه بین دو متغیر اجتماعی و تحکیم خانواده در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار است ($sig = 0/000$).

ضریب خط یعنی با تغییر در هر واحد عوامل اجتماعی به اندازه ۱/۱۳۶ واحد، تحکیم خانواده تغییر

می‌کند. بنابراین بر اساس یافته‌های ضریب همبستگی با تغییر در عوامل اجتماعی، تغییر در تحکیم

خانواده‌ها پیش‌بینی پذیر است.

ضریب همبستگی بین عوامل فرهنگی با تحکیم خانواده بسیار قوی و مثبت است ($R = 0/588$)

و آنوا نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۵٪ این رابطه معنی دار است ($sig = 0/000$). ضریب خط

یعنی با تغییر در هر واحد عوامل فرهنگی به اندازه ۰/۸۷۱ واحد، تحکیم خانواده تغییر می‌کند.

بنابراین بر اساس یافته‌های ضریب همبستگی با تغییر در عوامل فرهنگی، تغییر در تحکیم خانواده‌ها

پیش‌بینی پذیر است.

ضریب همبستگی بین عوامل اعتقادی با تحکیم خانواده بسیار ضعیف است ($R = 0/024$) و

آنوا نشان می‌دهد این رابطه معنی دار نیست ($sig = 0/739$).

ضریب همبستگی بین عوامل عاطفی با تحکیم خانواده قوی و مثبت است ($R = 0/309$) و آنوا

نشان می‌دهد این رابطه در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار است ($\text{sig} = ۰/۰۰۰$). ضریب خط نشان می‌دهد که با تغییر در هر واحد عوامل عاطفی، تحکیم خانواده به اندازه ۰/۶۱۹ تغییر خواهد کرد. بنابراین ضریب همبستگی نشان می‌دهد که تغییرات تحکیم خانواده از روی تغییرات عوامل عاطفی پیش‌بینی پذیر است.

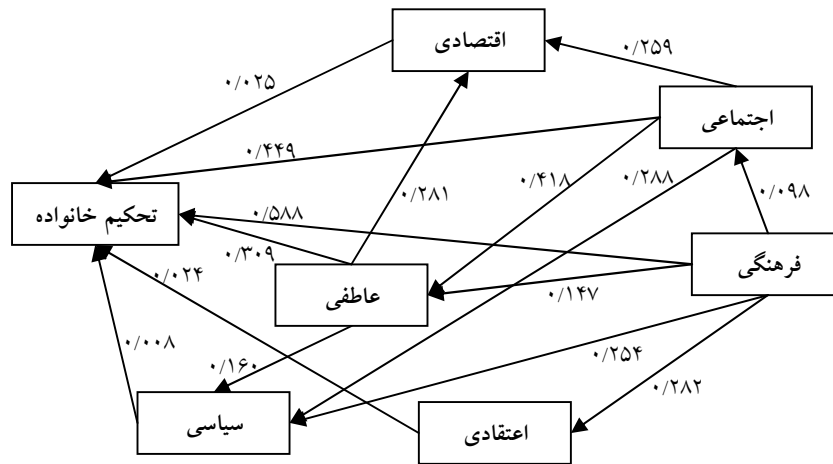
ضریب همبستگی بین عوامل سیاسی و تحکیم خانواده بسیار ضعیف است ($R = ۰/۰۰۸$) و این رابطه معنی‌دار نیست ($\text{sig} = ۰/۹۰۹$).

بر اساس ضریب اهمیت (بتا)، عوامل فرهنگی بیشترین تأثیر را بر تحکیم خانواده دارد ($\text{Beta} = ۰/۵۸۸$) و عوامل اجتماعی در درجه دوم اهمیت تأثیرگذاری قرار می‌گیرند ($\text{Beta} = ۰/۴۴۹$). عوامل عاطفی در مرتبه سوم از اهمیت تأثیرگذاری قرار می‌گیرند ($\text{Beta} = ۰/۳۰۹$). عوامل اقتصادی ($\text{Beta} = ۰/۰۲۵$) و اعتقادی ($\text{Beta} = ۰/۰۲۴$) و سیاسی ($\text{Beta} = ۰/۰۰۸$) ضریب اهمیت ناچیزی در تأثیرگذاری بر تحکیم خانواده دارد.

آزمون تی نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪ و با درجه آزادی یک، عوامل فرهنگی، اجتماعی و عاطفی رابطه معنی‌داری با متغیر تحکیم خانواده در این پژوهش دارد و فرض تحقیق تأیید و فرض صفر رد می‌شود؛ اما متغیرهای اعتقادی، اقتصادی و سیاسی رابطه معنی‌داری با تحکیم خانواده نداشته و فرض تحقیق رد و فرض صفر تأیید می‌شود.

تحلیل مسیر

تحلیل مسیر تبیین‌کننده تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرها بر تحکیم خانواده است. این تأثیرات در نگاره ۲ و جدول تحلیل مسیر شماره ۲ ترسیم شده است.



شکل ۲: تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرها بر تحکیم خانواده

جدول ۵: تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرها

متغیر	مستقیم	غیر مستقیم	جمع
اجتماعی	۰/۴۴۹	۱/۲۶۶	۱/۷۱۵
فرهنگی	۰/۵۸۸	۱/۰۹۸	۱/۶۸۶
عاطفی	۰/۴۷۴	۰/۳۰۹	۰/۷۸۳
اقتصادی	۰/۰۲۵	-	۰/۰۲۵
اعتقادی	۰/۰۲۴	-	۰/۰۲۴
سیاسی	۰/۰۰۸	-	۰/۰۰۸

در این پژوهش متغیرهای اجتماعی، فرهنگی و عاطفی دارای تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم قوی و متغیرهای اقتصادی، اعتقادی و سیاسی دارای تأثیرات مستقیم بسیار ناچیز بر تحکیم خانواده است.

مقایسه نگرش زنان و مردان

فرضیه ۲: مقایسه نگرش زنان و مردان نسبت به عوامل تأثیرگذار بر تحکیم خانواده
فرض پژوهش: بین نگرش زنان و مردان نسبت به عوامل تأثیرگذار بر تحکیم خانواده تفاوت

معناداری وجود دارد؛ یعنی دو جنس عوامل یکسانی را در تحکیم خانواده مؤثر نمی‌دانند. برای این آزمون از تی تست دو گروه مستقل استفاده و نتایج در جدول ۶ خلاصه شد.

جدول ۶: آزمون دو گروه مستقل نگرش زن و مرد درباره عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده

جنس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	معنی داری دو دامنه ^۱	آزمون لون = f معنی داری sig	t	df	تفاوت میانگین‌ها
زن	۸۳	۶۶/۹۷	۱۰/۲۱	۰/۰۰۰	۲۱/۱۰	۴/۱۱	۱۳۰	۵/۲۶
مرد	۱۰۹	۶۱/۷۱	۶/۴۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰			

در نگرش زنان و مردان نسبت به عوامل تأثیرگذار بر تحکیم خانواده تفاوت معنی داری وجود دارد؛ زیرا میانگین‌ها برابر نیست و انحراف معیارها نیز متفاوت است. هم‌چنین به دلیل اینکه در آزمون لون، میزان $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ از $۰/۰۵$ کمتر است و واریانسهای دو جامعه برابر نیست از آماره‌های مربوط به نابرابری واریانسها استفاده شد. t به دست آمده با درجه آزادی ۱۳۰ برابر $۴/۱۱$ شده که نشان‌دهنده سطح معنی داری بین نگرش زنان و مردان ($۰/۰۰۰$) و تفاوت میانگین‌ها ($۵/۲۶$) است. فرض تحقیق با ۹۵% اطمینان تأیید و فرض صفر رد می‌شود. ($۰/۰۵ < \text{sig} = ۰/۰۰۰$ و $\text{sig} = ۱۳۰ = \text{df}$ و $t = ۴/۱۱$)

هر دو جنس درباره تأثیر عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده نگرش یکسانی ندارند. در مرحله بعد برای اینکه تعیین شود که اختلاف نگرشها بر کدام یک از عوامل تأکید دارد از روش یومان ویتنی استفاده شد که آزمون دو گروه مستقل در حوزه آزمونهای ناپارامتری است؛ زیرا متغیر جنس دارای سطح سنجش اسمی است. نتایج در جدول ۷ خلاصه شده است.

جدول ۷: آزمون یومان ویتنی - تفاوت نگرش دو جنس درباره عوامل تأثیرگذار بر تحکیم خانواده

عوامل						آزمون	
سیاسی	عاطفی	اعتقادی - دینی	فرهنگی	اجتماعی	اقتصادی	یومان ویتنی	
۴۳۹۳/۵۰۰	۳۶۰۳/۵۰۰	۴۱۹۴	۴۲۹۷	۳۲۲۵/۵۰۰	۳۸۹۸		
۰/۷۲۹	۰/۰۱۵	۰/۳۸۵	۰/۵۵۲	۰/۰۰۱	۰/۰۹۷	سطح معنی داری	
۹۸/۰۷	۱۰۷/۵۷	۹۲/۵۳	۹۹/۲۳	۱۱۲/۱۴	۸۸/۹۲	زن	مرتبه
۹۵/۳۱	۸۸/۰۶	۹۹/۵۲	۹۴/۴۲	۸۴/۵۹	۱۰۲/۲۸	مرد	میانگین

همان‌طور که جدول ۶ نشان می‌دهد، تفاوت نگرش دو جنس در حوزه عوامل اجتماعی (sig = ۰/۰۰۱) و عاطفی (sig = ۰/۰۱۵) است و در چهار حوزه دیگر تفاوت نگرش وجود ندارد؛ زیرا سطح معنی‌داری از ۰/۰۵ بیشتر است (sig > ۰/۰۵). همان‌طور که مرتبه میانگین‌ها نشان می‌دهد، زنان عوامل اجتماعی (۱۱۲/۱۴) در برابر (۸۴/۵۹) و عاطفی (۱۰۷/۵۷) در برابر (۸۸/۰۶) را بیشتر در تحکیم خانواده مؤثر می‌دانند.

در گام بعدی تفاوت نگرش زنان و مردان نسبت به عوامل اجتماعی و عاطفی سنجیده شد. دوباره آزمون یومان ویتنی برای این عوامل اجرا، و نتایج در جدولهای ۸ و ۹ خلاصه شد.

جدول ۸: آزمون یومان ویتنی - تفاوت نگرش دو جنس درباره عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر تحکیم خانواده

تعهد به هم	اجتماعی بودن گسترش رابطه با دوستان و آشنایان	احترام به والدین و فامیل همسر	عدم فاصله اجتماعی و درک یکدیگر	اعتماد	آداب سخن گفتن	آزمون عوامل اجتماعی
۳۲۹۸	۴۴۸۵/۵۰۰	۳۹۸۳/۵۰۰	۳۸۲۴/۵۰۰	۴۱۱۹/۵۰۰	۴۱۳۰/۵۰۰	یومان ویتنی
۰/۰۰۰	۰/۹۱۶	۰/۱۳۹	۰/۰۵	۰/۲۴۲	۰/۱۸۸	سطح معنی‌داری
۱۱۱/۲۷	۹۶/۹۶	۸۹/۹۹	۱۰۴	۱۰۱/۳۷	۱۰۱/۲۳	مرتبه
۸۵/۲۶	۹۶/۱۵	۱۰۱/۴۵	۹۰/۰۹	۹۲/۷۹	۹۲/۸۹	مرد

همان‌طور که جدول داده‌ها نشان می‌دهد تفاوت نگرش دو جنس در حوزه عوامل اجتماعی، درک کردن یکدیگر و عدم فاصله اجتماعی (sig = ۰/۰۵) و تعهد به هم (sig = ۰/۰۰۰) است و در چهار حوزه دیگر تفاوت نگرش وجود ندارد؛ زیرا سطح معنی‌داری از ۰/۰۵ بیشتر است.

هم‌چنین مرتبه میانگین‌ها نشان می‌دهد برای زنان آداب سخن گفتن (۱۰۱/۲۳) در برابر (۹۲/۷۹)، اعتماد به همسر (۱۰۱/۳۷) در برابر (۹۲/۷۹) و تعهد و پایبندی به زندگی (۱۱۱/۲۷) و برای مردان احترام به والدین و فامیل آنها از سوی همسر (۱۰۱/۴۵) در برابر (۸۹/۹۹) بیشترین تأثیر را در تحکیم خانواده دارد.

جدول ۹: آزمون یومان ویتنی - تفاوت نگرش دو جنس درباره عوامل عاطفی تأثیرگذار بر تحکیم خانواده

آزمون مؤلفه‌های عاطفی	پایبندی مرد	عشق متقابل	هوس باز نبودن	بی‌اعتنا نبودن نسبت به هم	تحمیل شوخی و شاد کردن فضای خانواده	اظهار عشق	قهر نکردن و تنها نگذاشتن همسر	نداشتن احساس زندگی از سرناچاری
یومان ویتنی	۴۵۰۳/۵۰۰	۳۸۲۱	۴۴۸۴/۵۰۰	۳۸۷۱/۵۰۰	۳۹۲۹	۳۰۲۱	۳۵۳۰/۵۰۰	۳۴۸۴/۵۰۰
سطح معنی‌داری	۰/۹۴۵	۰/۰۱۲	۰/۸۸۹	۰/۰۷۶	۰/۱۰۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۰۰۴
رتبه	زن	۹۴/۷۴	۱۰۳/۹۶	۹۵/۹۱	۱۰۴/۳۶	۸۹/۳۴	۱۰۸/۴۶	۱۰۹/۱۲
میانگین	مرد	۹۶/۳۲	۹۰/۰۶	۹۶/۹۵	۹۰/۵۲	۱۰۱/۹۵	۸۷/۳۹	۸۶/۹۶

مقایسه نگرش جنسیتی نسبت به عوامل مؤثر بر تحکیم بنیان خانواده

همان‌طور که جدول داده‌ها نشان می‌دهد، تفاوت نگرش دو جنس در حوزه عوامل عاطفی، عشق متقابل ($\text{sig} = 0/012$) و اظهار عشق و دوست داشتن یکدیگر ($\text{sig} = 0/000$)، قهر نکردن و تنها نگذاشتن همسر ($\text{sig} = 0/006$) و نداشتن احساس زندگی کردن از سرناچاری ($\text{sig} = 0/004$) است. زیرا سطح معنی‌داری از $0/05$ کمتر است.

هم‌چنین رتبه میانگین‌ها نشان می‌دهد برای زنان عشق متقابل ($103/96$ در برابر $90/06$)، بی‌اعتنا نبودن ($101/23$ در برابر $90/52$)، اظهار عشق و دوست داشتن کردن ($114/6$ در برابر $89/34$) و نداشتن احساس زندگی کردن از سرناچاری ($109/12$ در برابر $86/96$) و برای مردان تحمل شوخی از سوی زنان و شاد کردن فضای خانواده ($101/95$ در برابر $89/34$) از اهمیت بیشتری برخوردار است.

نتیجه‌گیری و بحث و پیشنهاد

در این پژوهش مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اعتقادی، عاطفی و سیاسی تأثیرگذار بر تحکیم خانواده مورد مطالعه و سنجش قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که بر اساس گزارش پاسخگویان به ترتیب عوامل اجتماعی، عاطفی، اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بر تحکیم خانواده مؤثر است.

بر اساس آزمون یومان ویتنی، نگرش زنان و مردان در مورد این عوامل یکسان نیست و زنان به عوامل اجتماعی و عاطفی بیشتر اهمیت می‌دهند. مردان به عامل اقتصادی و درآمد زیاد، بیشتر از

زنان اهمیت می‌دهند. در مورد سایر عوامل فرهنگی، اعتقادی و سیاسی نگرش هر دو جنس مشابه است و تفاوتی وجود ندارد. در این تحقیق تأثیر عامل سیاسی در جهت منفی است. نتایج آزمون یومان ویتنی به این شرح است:

در عوامل اجتماعی، زنان به آداب سخن گفتن، اعتماد به یکدیگر، عدم فاصله اجتماعی و درک یکدیگر زوجین و بویژه داشتن تعهد نسبت به خانواده را در تحکیم خانواده مؤثر دانسته، و مردان بیشتر، احترام به والدین و فامیل همسر را مؤثر دانسته‌اند.

در عوامل عاطفی برای زنان، عشق متقابل و اظهار آن و دوست داشتن، قهر نکردن و تنها نگذاشتن همسر و نداشتن احساس ناچاری زندگی کردن با همسر کنونی از عوامل تحکیم خانواده‌هاست و برای مردان تحمل شوخی و شاد کردن فضای خانواده مهم است.

در عوامل اقتصادی برای مردان ثروت و درآمد زیاد بر استحکام خانواده تأثیر گذار است که برای زنان اهمیت چندانی ندارد.

یافته‌های این پژوهش، نتایج یافته‌های تحقیقات محمدی، ۱۳۹۰؛ مختاری، ۱۳۹۱؛ عبدی و یزدانی مقدم، ۱۳۸۸؛ ظهیری و فتحی، ۱۳۸۹؛ خطیبی، ۱۳۹۱؛ فرگوس و هارود، ۱۹۸۴؛ بوث، ۱۹۸۳؛ ویلکینسون، ۱۹۸۴ و مادسن و ابل، ۲۰۱۰ را در زمینه عوامل اعتقادی - مذهبی تأیید می‌کند و هماهنگ با نظر کلینی و تمیمی آمدی است. در رابطه با عوامل عاطفی نتایج آلمکوئیست و همکاران، ۱۹۷۸؛ موتایی و پور ابراهیم، ۱۳۹۳؛ نوری، ۱۳۹۱ و خالدی، ۱۳۹۳، است و با نظرات تمیمی آمدی (۱۳۶۶)، کلینی (۱۳۶۲)، نوری طبرسی (۱۴۰۸)، ویلیام گاردنر (۱۹۹۲)، دوان شولتس (۲۰۰۵)، لیل مولر (۲۰۰۶)، همپلتون (۱۹۸۳)، پارکر (۲۰۰۲) و چلی (۱۳۸۵) را تأیید می‌کند و با نظریه‌های دورکیم و پارسونز (۱۹۵۶)، اتکینسون و همکاران (۱۹۸۷)، موری (۱۹۸۲) و نظرات نوری طبرسی (۱۴۰۸) هماهنگ است. در زمینه عوامل اجتماعی، نتایج پژوهشهای موحد، عنایت و مردانی (۱۳۹۱)، غلامپور و سکین عبدالغنی (۱۳۸۸)، مادسن و ابل (۲۰۱۰) و جین (۱۹۹۹) را تأیید می‌کند و با نظریه‌های پارسونز و دورکیم و ویلیام گاردنر هماهنگ است. هم‌چنین در مورد عوامل فرهنگی، نتایج تحقیق غلامپور و سکین عبدالغنی (۱۳۸۸) و سفیری و آراسته (۱۳۸۶) را تأیید می‌کند. در زمینه عوامل اقتصادی، نتایج غلامپور و سکین عبدالغنی (۱۳۸۸) و سفیری و آراسته (۱۳۸۶) را تأیید می‌کند و در نهایت در زمینه عوامل سیاسی و تصمیم‌گیری، تأییدکننده نتایج پژوهشهای ویلیام گاردنر و آمانز و همکارش (۲۰۱۴) است.

هر قدر روابط زن و شوهرها گسترده و محترمانه، بر اعتماد متقابل مبتنی باشد و نسبت به هم

رفتار احترام‌آمیز و تعهد و صمیمیت بیشتری داشته باشند؛ یکدیگر را درک کنند و فاصله اجتماعی آنها از یکدیگر کم باشد به همان نسبت از خانواده بادوامتری برخوردار خواهند بود. معرفی‌هایی مانند روابط، تعهد و اعتماد و صمیمیت بیانگر سرمایه اجتماعی (کلمن، ۱۹۸۸) است. بنابراین با افزایش سرمایه اجتماعی در خانواده‌ها تحکیم خانواده تضمین می‌شود. زنان در فرهنگ زنانه به کیفیت زندگی (مویج^۱ و همکاران، ۲۰۰۲)، اهمیت بیشتری می‌دهند و رابطه مدارند و به ارتباطات بین فردی توجه بیشتری نشان می‌دهند (خالدی و همکاران، ۱۳۹۳)؛ به همین دلیل به عوامل عاطفی و اجتماعی بیشتر توجه دارند.

مردان احترام به والدین و فامیل همسر را در تحکیم خانواده مؤثر دانسته‌اند. یکی از جنبه‌های منفی فرهنگ، اختلاف بین مادر شوهر و عروس است که در طول تاریخ برجسته شده و اختلافات ریشه‌داری را به وجود آورده به گونه‌ای که روابط با خانواده مرد از روابط با خانواده زن کمتر، و به همین دلیل است که مردان از کاهش ارتباط با خانواده پدری رنج می‌برند. از آنجا که مردان عقلگرا هستند (مویج و هافستد، ۲۰۰۲) و نشان‌دادن توانمندی آنان برای حل مشکلات (گری، ۱۳۸۷؛ خالدی و همکاران، ۱۳۹۳) و ارضای نیازهای خانواده بسیار مهم است، داشتن درآمد زیاد و ثروت را مهم می‌شمارند.

بر اساس نتایج، پیشنهاد می‌شود که نوع مشاوره در جهت تحکیم خانواده‌ها باید با در نظر گرفتن جنس باشد. به مردان آموزشهای اجتماعی و عاطفی لازم در ارتباط با همسرانشان داده شود؛ یعنی احترام به همسر و اعتماد و تعهد به او، نداشتن هوسبازی و خشونت و... آموزش داده شود و به زنان احترام و رعایت خانواده شوهران و داشتن سبک اقتصادی مناسب مثل دوری از چشم و هم‌چشمی و زیاده‌خواهی و اسراف داده شود. هم‌چنین به آنها یاد داد که داشتن شغل مناسب و درآمد مکفی می‌تواند خانواده را به سعادت برساند تا مردان احساس نکنند که فقط با ثروت و درآمد زیاد است که می‌توانند در ارضای نیازهای خانواده و نشان‌دادن توانمندی‌هایشان موفق باشند. هم‌چنین خانواده‌ها با پرهیز از دیدن برنامه‌های مبتذل ماهواره‌ها، خود را از خیانت به همسران بیمه کنند. مسئولان ذی‌ربط با نظام خانواده به عامل و سرمایه اجتماعی خانواده‌ها بیشتر توجه کنند. در مشاوره به خانواده‌ها از منابع غنی اسلامی استفاده شود. تلاش همگانی در جهت افزایش اعتماد و تعهد در درون خانواده از الزامات جامعه امروز است. وجود روابط عاطفی و گرم

و محترمانه نسبت به اقوام و خانواده همسر بویژه شوهر و هم‌چنین خویشان و دوستان، بی‌اعتنایی را در جامعه کاهش می‌دهد. در این زمینه رسانه‌های جمعی دیداری و شنیداری داخلی بیشترین مهمترین رسالت را دارند. با ساخت فیلمها و مجموعه‌های تلویزیونی جذاب و متناسب با عصر جدید و غنی کردن برنامه‌های رسانه‌های داخلی می‌توان تا حدود زیادی از عوامل منفی مؤثر بر پایداری خانواده‌ها جلوگیری کرد. هم‌چنین تأسیس مشاوره‌های محله‌ای در رشته‌های گوناگون روانشناسی، جامعه‌شناسی، حقوق، تربیتی و... یکی از راه‌های دسترسی آسان برای مشاوره است که می‌تواند با سرویس‌دهی به زنان و مردان در محلات شهرها در جهت تحکیم خانواده، نتایج مفیدی داشته باشد. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران موضوع را در سطح ملی انجام دهند تا نیمرخ کاملتری از آن به دست آید.

یادداشتها

- ۱ - ما بنی بناء فی الاسلام احب الی الله عزوجل من التزویج
- ۲ - اعضای هیئت علمی و کارمندان دانشگاه‌های پیام نور
- ۳ - بدین معنی که خانواده به عنوان پدیده‌ای برخاسته از کل جامعه خود نیز به‌نوبه خود بر آن اثر می‌نهد. بدین‌سان جامعه و خانواده در فرایند دائمی نوعی تأثیر و تأثر قرار می‌گیرند.
- ۴ - بِالرَّفْقِ تَدْوَمُ الصَّحْبَةُ

منابع

- قرآن کریم. ترجمه الهی قمشه‌ای. به خط مصطفی اشرفی. دفتر فرهنگی نوری وابسته به انتشارات مهشاد.
- باقری، مرضیه (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده از دیدگاه معلمان تنکابن. پایان‌نامه کارشناسی. دانشگاه پیام نور تنکابن.
- بستان (نجفی)، حسین؛ بختیاری، محمد عزیز؛ شرف‌الدین، سید حسین (۱۳۸۹). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. ویراست دوم. ج پنجم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد ابن محمد (۱۴۱۰ق). غررالحکم و دررالکلم. تصحیح سید مهدی رجایی. قم: دارالمکتب الاسلامیه.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۵). تحلیل اجتماعی در فضای کنش. تهران: نشر نی.
- خالدی، شیدا؛ موتابی، فرشته؛ تقی پور، ابراهیم؛ باقریان، فاطمه (۱۳۹۳). حفاظت‌کننده ازدواج در افراد متأهل دارای عوامل خطر. فصلنامه خانواده‌پژوهی. ش ۳۷: ۳۱-۴۵.

خطیبی، اعظم (۱۳۹۱). مفاهیم جامعه شناختی در پنج سوره اول قرآن کریم. همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.

دورکیم، امیل (۱۳۶۹). در باره تقسیم کار اجتماعی. ترجمه باقر پرهام. بابل: کتابسرای بابل.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات سمت.

سفیری، خدیجه؛ آراسته، راضیه (۱۳۸۶). بررسی رابطه سرمایه اقتصادی زنان با نوع روابط همسران در خانواده. مجله علمی - پژوهشی تحقیقات زنان. س. ش. ۱: ۱۱۴ - ۱۴۷.

عبدی، علی اصغر؛ یزدانی مقدم، حمید رضا (۱۳۸۸). تأثیر تعالیم دینی و کسب مهارت‌های زندگی در سیره رضوی. مشهد: آستان قدس رضوی.

غلامپور، محمد؛ سکین عبدالغنی، اسامه (۱۳۸۸). عوامل تحکیم خانواده. راه تربیت: فصلنامه‌ای در عرصه فرهنگ و تربیت اسلامی. ش. ۹: ۸۸ - ۱۲۴. از سایت www.noormags.com.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). اصول کافی. تصحیح علی اکبر غفاری. چ دوم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کمالی، مینا (۱۳۸۹). بررسی میزان تحکیم خانواده در زنان خانه‌دار ساکن غرب تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

کوکبی، رزیتا (۱۳۸۹). کارکردهای خانواده. مجله پیوند. ش. ۱۲۴: ۲۹-۲۷.

کوهی، محمد رضا (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی شخصیت و محبوبیت زن با محوریت عفاف و حجاب. چ پنجم. انتشارات مشهور.

گری، جی (۱۳۸۷). راز ناسازگاری‌های مردان مریخی و زنان ونوسی. ترجمه فرهاد صادقی. تهران: نشر قطره.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.

گیدنز، آنتونی؛ بردسال، کارن (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی - با تجدید نظر کامل و روزآمد شده. ترجمه حسن چاوشیان. چ سوم. تهران: نشر نی.

محمدی، معصومه (۱۳۸۷). جنگ علیه خانواده ویلیام گاردنر، برگردان و تلخیص. قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴). منتخب میزان الحکمه. ترجمه حمید رضا شیخی. چ سوم. قم: دارالحدیث.

معاونت پژوهش، گروه روانشناسان (۱۳۸۶). تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن. چ دوم. انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

موحد، مجید؛ عنایت، حلیمه؛ مردانی، مرضیه (۱۳۹۱). مطالعه عوامل زمینه‌ای مرتبط با ساختار توزیع قدرت در خانواده (نمونه موردی زنان متأهل شهر شیراز). فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. دوره اول. ش. ۳: ۱۷۸ - ۱۵۹.

نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل. ج ۲ و ۳. بیروت: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.

نوری، اعظم (۱۳۹۱). عوامل تضعیف استحکام خانواده. فصلنامه‌ای در عرصه مطالعات زنان و خانواده: ۱۱۴ - ۱۱۳

- Amanze, P. O. & Alu Chituru, N. A. (2014). Management of Family's Finances and Family Wholeness Evidence from Ilshan-Remo Community. Ogun State. Nigeria. **Research on Humanities and Social Sciences**. 4(3): 12-24.
- Atkinson M. P., & Glass, B. L. (1987). Marital age heterogamy and homogamy. **Journal of Marriage and the Family**. 47(3): 1985.
- Atkinson, G.B.J. & Mc Carthy, B. & Phillips, K. M., (1987). Studing Society. An Introduction to Social Science. Oxford University Press.
- Atmquist, Elizabeth M. &etal.(1978).**Sociology. Women. Menand society**. New York: Palgrave.
- Beck, U (1994). **Giddens, s and Lash, Scott: Reflexive Modernization**. Polity.
- Beck, U. (1992). **Risk society: Towards a New Modernity**. Sage.
- Booth, A., & Johnson, D., & Edvards, J. N., (1983).Measuring Marital Instability. Journal of Marriage and the Family. 45(2): 387-392.
- Brinker hoff. D. B. & white .Lynnk, K. (1988). Marital Satisfaction in an Economically Marginal Population. **Journal of marriage and the family**. 40(2): 387-392.
- Fergusson, D. M. & Horwood, L. J. & Shanon, F. T. (1984). AProportional Hazards Model of Family Breakdown. Journal of Marriage and the Family. 46(3): 539-549.
- Gairdner, W. (1992). **the War against the Family**. by Paul Crouser. Reviewed. By D. Stoddart Publishing Company Ltd.
- Hamilton, P. (1983). Talcot Parsons. London: Routledge.
- Jane, R (1999). **Dr. Jane's notebook: Improving your marital satisfaction**. available on <http://www.dr.Jane.com>.
- Madsen, M.D., & Abell, N. (2010). Trauma Resilience Scale: Validation of protective Factors Associated with Adaptation Following. **Research on social work practice**. 20(2): 223-233.
- Martin, R. A., Puhlik- Doris, P., Larsen, G., Gray, J., & Weir, K. (2003). Individual differences in uses of humor and their relation to psychological well- being: Development of the humor styles quationnaire. **Journal of researchIn personality**. 37: 48-72.
- Mooij, M. D., & Hofstede, G. (2002). Convergence and divergence in consumer Behavior: implications for international retailing. **Journal of Retailing**. 78: 61- 69.
- Murray. Ch. (1982). **In Pursuit of Happiness and Good Government**. New York: Simon & Schuster.
- Parker, R. (2002). Why marriage last: Adiscussion of literature. Australian Institute **Family Studies**. 28: 1- 26.
- Parsons, T., & Bales, R. F., (1956). **Family, Socialization and Interaction Process**. New York: Free Press.
- Ritzer, G. (2004). **Handbook of social problems: a comparative international perspective**. North America: sage publication.
- Ross, E. C. (2009). Marital satisfaction, Dissatisfaction, Conflict and Qualities of Stokes, Randall (1984). Introduction to Sociology. Dubuque and Low: Web Publishers. Successful Marriage. **Psychology of the family**: 2-15.